



تحلیل واقعه مباحه پیامبر و مسیحیان نجران؛ از نزول آیه قرآن تا اعمال عبادی

آیا می‌دانید روز ۲۴ ذی‌الحجه چه اهمیت ویژه‌ای برای شیعیان دارد؟ در این مقاله به بررسی کامل واقعه تاریخی و مهم مباحه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله با مسیحیان نجران، تفسیر آیه ۶۱ سوره آل عمران، فضایل اهل‌بیت علیهم‌السلام، و اعمال عبادی این روز مبارک می‌پردازیم.

آیا می‌دانید روز ۲۴ ذی‌الحجه چه اهمیت ویژه‌ای برای شیعیان دارد؟ در این مقاله به بررسی کامل واقعه تاریخی و مهم مباحه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله با مسیحیان نجران، تفسیر آیه ۶۱ سوره آل عمران، فضایل اهل‌بیت علیهم‌السلام، و اعمال عبادی این روز مبارک می‌پردازیم.

مقدمه: بیان مسأله

در تاریخ پرفراز و نشیب ادیان الهی، رویدادهایی وجود دارند که نه تنها مرزهای عقیدتی یک جامعه را مشخص می‌کنند، بلکه به عنوان اسناد جاودانه بر حقانیت یک مکتب عمل می‌نمایند.

«مباحه» یکی از این وقایع کم نظیر در صدر اسلام است که در سال دهم هجری رخ داد. این ماجرا، تقابل دو جهان بینی متفاوت؛ یعنی توحید محض اسلامی و مسیحیان معتقد به تثلیث (فائل به سه خدا؛ پدر، پسر، روح القدس)، در صحنه‌ای عمومی و با حضور نمایندگان برجسته نجران بود.

مسأله اصلی اینجاست که چگونه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله توانست با اتکا به عصمت و نورانیت اهل‌بیت خود علیهم‌السلام، حقیقت را بدون شمشیر و تنها با ابزار دعا و لعن الهی اثبات کند و در عین حال، فضیلتی بی‌بدیل برای خود و چهار تن از پاک‌ترین موجودات هستی (امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام) رقم بزند.

ضرورت بحث

بررسی این واقعه صرفاً یک کنکاش تاریخی نیست؛ بلکه ضرورتی کلامی و اعتقادی دارد. امروزه که شبهاتی درباره جایگاه زن، فرزند و همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یا نسبت ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام با ذات پیامبری مطرح می‌شود، آیه مباحه پاسخی قاطع و روشن است.

همچنین، بسیاری از مسلمانان از اعمال خاص این روز و فلسفه آن بی‌خبرند. لذا تبیین دقیق این واقعه، بازخوانی ریشه‌های فکری مسیحیان یمن و استخراج دستاوردهای دینی آن، برای تقویت ایمان و شناخت صحیح از مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام امری انکارناپذیر است.

هدف از نگارش مقاله

این نوشتار بر اساس اداف ذیل تدوین شده است:

۱. ارائه تحلیلی نوین و ساختاریافته از واقعه مباحه.
۲. عبور از نقل‌های سطحی و تبیین ابعاد عمیق کلامی، تاریخی و عرفانی این واقعه.
۳. احیای سنت‌ها و اعمال عبادی روز مباحه.

۴. پیوند دادن معرفت‌نظری با عمل، تا مخاطب بتواند از برکات معنوی این روز بهره‌مند شود.

گسترش دعوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به سرزمین‌های دور

بخش اول: پیش‌زمینه تاریخی مباحه و آغاز گفتگو
پس از فتح مکه و تثبیت قدرت اسلام در شبه جزیره عربستان، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله استراتژی خود را از جنگ به دیپلماسی تغییر داد. ایشان نامه‌هایی برای پادشاهان و سران اقوام ارسال کردند. یکی از این مقاصد، منطقه نجران ۱ بود. نجران در آن زمان، قطب مهم مسیحیان حجاز محسوب می‌شد و دارای ساختاری اجتماعی و مذهبی منسجم بود.

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله چند نماینده ۲ به سوی مسیحیان نجران اعزام کرد و در نامه‌ای ۳ خطاب به اسقف ۴ ابو حارثه بن علقمه، نماینده رسمی کلیساهای روم، چنین نوشت:

«به نام خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب. (این نامه‌ای است) از محمد، پیامبر و رسول خدا به اسقف نجران: خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب را ستایش می‌کنم و همگان را از پرستش بندگان به پرستش «خدا» دعوت می‌کنم، شما را فرا می‌خوانم که از ولایت خدا پیروی کنید و از ولایت بندگان خارج شوید. اگر دعوت مرا نمی‌پذیرید، باید به دولت کریمه اسلامی مالیات (جزیه) بپردازید (تا در امنیت قرار بگیرید)، در غیر این صورت به شما اعلام خطر می‌شود.»

این نامه نشان می‌دهد که اسلام خواهان تحمیل عقیده با زور نیست، بلکه راه‌های صلح‌آمیز و مالیاتی (ذمه) را نیز برای حفظ امنیت اقلیت‌های دینی پیش‌روی آنان قرار می‌داد.

واکنش شورای نجران و تردیدهای درونی

نمایندگان رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد سرزمین نجران شدند و نامه پیامبر را تقدیم اسقف کردند. وی نامه واپسین پیامبر رحمت را با دقت مطالعه کرد و برای تصمیم‌نهایی، شورایی مرکب از شخصیت‌هایی از «سبأ» از قبایل «مذحج»، «عک»،

«حمیر» و «انمار» که دارای سرنوشت مشترک بودند، در معبد بزرگ نجران تشکیل داد. ۶

در این شورا، بحث های داغی جریان داشت. فردی به نام «شرحبیل» که نقش مشاور ارشد را ایفا می کرد، نکته جالبی را یادآوری کرد: «ما بارها شنیده ایم که نبوت از نسل اسحاق به اسماعیل منتقل می شود و بعید نیست محمد همان پیامبر موعود باشد». ۷

این اظهارنظر، شکاف عمیقی را در میان مسیحیان ایجاد کرد. برخی معتقد بودند باید با شمشیر پاسخ داد، اما اسقف که قلباً به توحید گرایش داشت و ویژگی های پیامبر اسلام را در کتب خود یافته بود، از خشونت پرهیز کرد و پیشنهاد داد برای رفع ابهام، به کتاب «جامعه» که بشارت های پیامبران پیشین در خصوص پیامبر خاتم در آن، مندرج بود، مراجعه کنند. با رجوع به آن کتاب، دریافتند که سخنان اسقف بزرگ درست است. ۸

اعزام هیات نمایندگی به مدینه
سرانجام تصمیم گرفته شد هیأتی متشکل از ۶۰ نفر از بزرگان و ۱۴ عالم دینی، به رأس آنها سه اسقف به نام های ابوحارثه، عبدالملکی و ایهم ۱۰، به مدینه سفر کنند. ۱۱. این گروه با ظاهری مجلل، لباس های ابریشمی و انگشترهای طلا وارد مسجدالنبی شدند.

درس اخلاقی: ساده زیستی در حضور مقدسات
ورود نمایندگان نجران با تجملات، پیامبر صلی الله علیه و آله را ناراحت کرد. وقتی آنان علت ناراحتی را پرسیدند، عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف راهنمایی شان کردند که به نزد امام علی علیه السلام بروند. امام علی علیه السلام فرمودند: «وضع ظاهری خود را تغییر دهید و ساده بیایید تا مورد پذیرش واقع شوید. ۱۲»

این رویداد نشان می دهد که در فرهنگ اسلامی، تواضع و پرهیز از تکبر ظاهری حتی در برخورد با مخالفان عقیدتی، شرط پذیرش کلام حق است. نمایندگان نجران پس از تغییر لباس و ورود با وقار، مورد احترام پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفتند. ۱۳.

محور اختلاف: شخصیت حضرت عیسی علیه السلام
پس از سه روز، حضرت محمد صلی الله علیه و آله آنان را به اسلام دعوت کرد. آنان گفتند: ای ابوالقاسم! همه نشانی هایی را که در کتاب های آسمانی درباره پیامبر بعد از عیسی علیه السلام آمده است، در تو یافتیم، مگر یک نشانه را که بزرگ ترین آنهاست!

حضرت پرسید: چه نشانه ای است؟ گفتند: در انجیل چنین آمده است: «او مسیح را تصدیق می کند و به او ایمان دارد».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من، او را تصدیق می کنم و به او ایمان دارم و گواهی می دهم او پیامبری است که از جانب پروردگارش فرستاده شده و بنده ای است که سود و زیان و مرگ و زندگی و برانگیختن او به دست خودش نیست.

آنان گفتند: آیا بندگان خدا می توانند کارهایی را که او انجام می داد، انجام دهند؟ آیا پیامبران قدرت او را داشتند؟ آیا او مردگان را زنده و کورها را بینا نکرد و بیماران مبتلا به پیسی را شفا نداد؟ آیا آنچه را در قلب مردم و خانه هایشان ذخیره کرده بودند، به آنان نمی گفت؟ آیا کسی جز خدا، یا پسر خدا توان چنین کارهایی را داشت؟

آنان درباره حضرت مسیح علیه السلام بسیار غلو کردند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله در جواب آنان فرمود: برادرم عیسی علیه السلام همان گونه که گفتید، بود؛ ولی تمام اینها را با اذن خدای عزوجل انجام می داد. او بنده خدا بود و این مطلب برای او ننگ نیست و او نیز از آن ابایی نداشت. او دارای گوشت، خون، مو، استخوان و عصب بود، غذا می خورد و تشنه می شد. پروردگارش یگانه بر حقی است که هیچ مثل و مانندی ندارد.

احتجاج نصراً با پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۴
آنان از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: آیا فردی را سراغ داری که بدون پدر به وجود آمده باشد؟ آیه نازل شد و حضرت فرمودند:

«إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

«خلفت عیسی نزد خدا، مانند خلقت آدم است که آن را از خاک آفرید، آن گاه به او فرمود: باش، بی درنگ به وجود آمد. ۱۴»

در توضیح این آیه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

آفرینش آدم شگفت انگیزتر از حضرت عیسی علیه السلام است. آدم علیه السلام، بدون پدر و مادر خلق شد و هیچ کاری برای خدا سخت تر یا آسان تر از کار دیگری نیست و هر وقت خدا بخواهد چیزی را به وجود بیاورد، فقط به او می گوید: باش! و آن چیز سریع به وجود می آید. ۱۵.

اصرار مسیحیان نجران بر مباهله ۱۶
مسیحیان نجران گفتند: سخنان تو، ما را قانع نکرد و به آنچه تو می خواهی، ما اقرار نمی کنیم. کار که به اینجا رسید، آیه مباهله بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد:

«وَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأُنْفُسَنَا وَأُنْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبَتَّلْهُ فَتَجْعَلْهُ

بنابراین، پس از دست یافتن تو به دانش، به هر کس که با تو به چالش برخیزد، بگو: بیایید تا فرزندان خود و فرزندان شما، و زنان خود و زنان شما، و خودی های خویش و خودی های شما را فراخوانیم، آن گاه (به درگاه خداوند) زاری کنیم تا لعنت خداوند را بر دروغ گویان نهمیم ۱۸.»

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله این آیه را برای آنان تلاوت کرد و سپس فرمود: خداوند به من دستور داده است که اگر بر گفته خود استوار باشید، با شما مباحله کنم.

آنها پذیرفتند که فردا مراسم مباحله اجرا شود تا حقیقت برای طرفین روشن شود. آن گاه با همراهان خود از نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتند.

در حقیقت، سفارش خداوند متعال در این آیه مبنی بر مباحله به عنوان راه حل نهایی، برای زمانی بود که استدلال عقلی و نقلی جواب نمی داد و طرفین نیاز به داوری مستقیم الهی داشتند. بخش سوم: روز مباحله؛ تماشگاه نورانیت اهل بیت علیهم السلام **انتخاب همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله** هنگام انجام مراسم مباحله فرا رسید. روز قبل، حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و هیأت نمایندگی نجران توافق کرده بودند که مراسم مباحله در نقطه ای خارج از شهر مدینه، در دامنه صحرا انجام گیرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از میان مسلمانان و بستگان خود، فقط چهار نفر را برای شرکت در این مراسم تاریخی انتخاب کرد. میان مسلمانان و خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله نفوسی پاک تر و مؤمن تر از امام علی، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام وجود نداشت.

پیامبر صلی الله علیه و آله فاصله منزل تا محل ملاقات را با وضع خاصی طی کرد. وی، امام حسین علیه السلام را در آغوش گرفته بود و دست امام حسن علیه السلام را در دست داشت و حضرت زهرا علیها السلام پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام پشت سر وی حرکت می کردند تا به محل قرار رسیدند.

پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد زیر دو درخت را تمیز کردند و حضرت محمد صلی الله علیه و آله عیای خود را به عنوان سایه بان روی شاخه های درخت ها انداخت و به همراهان خود فرمود: من هر موقع دعا کردم، شما آمین بگویید ۱۹.

در جمع نمایندگان نجران هم افرادی با نام های ساره، مریم و چند بچه به نام های «صیغه المحسن» و «عبدالمنعم» حضور داشتند که به اتفاق بزرگان خود در مراسم مباحله آمده بودند ۲۰. **وحشت مسیحیان و عقب نشینی از انجام مباحله** وقتی نمایندگان نجران، چهره های نورانی و معصوم اهل بیت علیهم السلام را دیدند، ترس عجیبی بر آنان غلبه کرد.

اسقف نجران بعد از آگاهی از اسامی و عناوین همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله، خطاب به هم کیشان خود گفت: من چهره هایی می بینم که هر گاه دست به دعا بلند کنند و از درگاه خداوند بخواهند که بزرگ ترین کوه ها را از جای بکنند، فوراً کنده می شود. صحیح نیست با این چهره های نورانی و افراد با فضیلت، مباحله کنیم. **تبدیل مباحله به مصالحه به پیشنهاد مسیحیان نجران** اسقف اعظم، برادر دانشمندی به نام «منذر بن علقمه» داشت که همراه کاروان از نجران آمده بود. وقتی مشاهده کرد که نمایندگان نجران در خصوص مباحله به تردید افتاده اند، دست «سید» و «عاقب» را گرفت و گفت: مرا با این دو تنها گذارید.

آن گاه رو به آنان کرد و گفت: پیشقراول قبيله که در پی آب و علف جلوتر حرکت می کند، هیچ گاه به قوم خود دروغ نمی گوید. من از روی خیرخواهی می گویم به خودتان کمک کنید و خود را نجات دهید، و الا خود و دیگران را نابود می کنید. به خوبی می دانید که هیچ گاه قومی با پیامبری مباحله نکرده، مگر اینکه نابود شده است. شما و تمام عاقلانی که با شما هستند و از مطالب کتاب آسمانی اطلاع دارند، می دانند که همین شخص؛ یعنی ابوالقاسم محمد، همان کسی است که پیامبران مژده آمدن او را داده اند. مطلب دیگری نیز هست که باید از آن ترسید.

پرسیدند: چه چیزی؟ گفت: بنگرید که نزدیک است ستاره ثریا بر زمین فرو آید، درختان سر خم کرده و پرندگان در مقابل شما صورت بر زمین گذاشته و بال های خود را روی زمین پهن کرده اند، نشانه ای دیگر نزدیک شدن عذاب را روی زمین ببینید؛ به لرزش کوه ها و دودی که پخش شده و ابرهایی پراکنده در وسط تابستان و گرمای شدید بنگرید! به محمد که دستش را بلند کرده و با چهارنفر از اهل بیتش که منتظر پاسخ شما هستند، بنگرید. و بدانید که اگر دهان بگشاید و کلمه ای برای مباحله بگوید، نمی توانیم از نابودی خود جلوگیری کنیم و نزد خانواده و اموال خود باز گردیم.

سخنان منذر، رؤسای هیأت نجران را تحت تأثیر قرار داد، آنان به فکر فرورفته، سخنان منذر را تأیید کردند. منذر پیشنهاد داد که: اگر تسلیم شویم، سالم می مانیم. بهتر است از مباحله بپرهیزیم و با شتاب با محمد مصالحه و او را از خود راضی کنیم. ما اکنون در شرایطی به سر می بریم که قوم یونس اندکی پیش از نزول عذاب در آن به سر می بردند.

در نتیجه، مسیحیان که از عذاب الهی هراس داشتند، پیشنهاد مباحله را رد کردند و درخواست مصالحه نمودند. **نمایندگان دو طرف برای انجام مصالحه** هیأت نمایندگی مسیحیان با مشاهده وضع یاد شده و پیشنهاد منذر، وارد شور شد و به اتفاق آرا تصویب کرد که «منذر» به نمایندگی از آنان، نزد حضرت محمد صلی الله علیه و آله رفته، از او بخواهد تا نماینده ای برای «مصالحه» معرفی کند.

منذر نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت، سلام کرد و گفت: ای رسول خدا! گواهی می دهم که خدایی جز خدایی که تو را برانگیخت، وجود ندارد و شما و عیسی هر دو بنده و فرستاده خدای عزوجل هستید. بدین ترتیب، او اسلام آورد و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت که آماده مصالحه است.

حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام را به نمایندگی خود و اهل بیت فرستاد. حضرت علی علیه السلام عرض کرد: پدر و مادرم فدای شما، ای رسول خدا! بر چه چیزی با آنان مصالحه کنم؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «رأی تو، رأی من است. هر طور که خواستی، مصالحه کن ۲۱.» **پیمان نامه** امیرمؤمنان علیه السلام به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله این پیمان نامه را نوشت:

«به نام خداوند مهر پیشه دوست پرور. این نامه ای است از محمد رسول خدا به ملت نجران و حومه آن. حکم و داوری محمد صلی الله علیه و آله درباره تمام املاک و ثروت مردم نجران، این شد که اهالی نجران هر سال دو هزار دست لباس که قیمت هر یک از چهل درهم بیشتر نباشد، به حکومت اسلامی بپردازند. می توانید نیمی از آن را در ماه صفر و نیم دیگر را در ماه رجب پرداخت کنید و هرگاه از ناحیه یمن جنگ شعله ور گشت، ملت نجران باید به عنوان همکاری با دولت اسلامی، سی زره، سی اسب و سی شتر، به عنوان عاریه مضمونه در اختیار ارتش اسلام بگذارند و پذیرایی نمایندگان پیامبر صلی الله علیه و آله در سرزمین نجران به مدت یک ماه به عهده آنان است و هر موقع نماینده ای از ناحیه وی به سوی آنان آمد، از او باید پذیرایی کنند. جان و مال و سرزمین ها و معابد ملت نجران در امان خدا و رسول او است، مشروط بر اینکه از همین حالا از هر نوع رباخواری خودداری کنند و در غیر این صورت، ذمه محمد از آنان بری بوده، تعهدی در برابر آنان نخواهد داشت ۲۲.»

این نامه روی پوست سرخی نوشته شد و دو نفر از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان گواه، زیر آن را امضا کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را مهر کرد و تحویل هیئت نجران داد ۲۳.

این قرارداد، نمونه ای عالی از عدالت اسلامی و مدیریت بحران بین المللی بود که بدون ریختن خون، صلح پایدار را برقرار کرد. **نزول وحی و سجده شکر پیامبر صلی الله علیه و آله** هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله با اهل بیتش به مسجد بازگشت، جبرئیل نازل شد و گفت: محمد! خدای عزوجل به تو سلام رسانید و فرمود:

هنگامی که بنده من موسی علیه السلام با دشمن خود، قارون مباحله کرد، قارون، خانواده، ثروت و یارانش در زمین فرو رفتند. به عزت و جلالم سوگند! اگر تو و افراد خانواده ات که زیر آن عبا بودند، مباحله می کردید، همه طرفداران آنها نابود می شدند.

آن گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سجده افتاد و صورتش را روی زمین نهاد، سپس برخاست و دست هایش را به سوی آسمان بلند کرد و سه بار خدای سبحان را سپاس گفت. از حضرت درباره این سجده پرسیدند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به سبب اینکه خداوند این کرامت را به اهل بیت من ارزانی داشت». آن گاه آنچه را جبرئیل نازل کرده بود، برای آنان نقل کرد ۲۴.

این واقعه ثابت کرد که اهل بیت علیهم السلام دارای مقام «مستجاب الدعوه» هستند و دعای آنها نافذ است

«مباحله»، معجزه جاودان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است و اختصاص به مسیحیان نجران ندارد؛ چنان که مورد مباحله، منحصر به جریان مسیح علیه السلام نیست، بلکه هر شأنی از شئون دین که حق محض است، اگر انکار شود، راه مباحله برای آن همچنان باز است ۲۵. و در برخی روایات، آداب آن ذکر شده است ۲۶. بخش چهارم: تحلیل کلامی و فلسفی آیه مباحله **تعبیر «انفسنا»: اتحاد ذاتی علی علیه السلام و رسول الله صلی الله علیه و آله** مهم ترین بخش تحلیلی آیه، تعبیر «وأنفستنا» (و جان های ما) است. مفسران شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که منظور از «نفس»، امام علی علیه السلام است. چرا؟

۱. لزوم تناسب: آیه می گوید «پسران ما» (حسن و حسین)، «زنان ما» (فاطمه) و «جان ما». نمی توانست پیامبر دیگری را به جای علی علیه السلام بیاورد، زیرا رابطه علی علیه السلام با پیامبر، رابطه خویشاوندی یا همسری نبود، بلکه رابطه «نفس به نفس» بود.

۲. روایات متواتر: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها فرمودند: عَلِيٌّ مَيِّتٌ وَ اَنَا مِنْ عَلِيٍّ لَا يُؤَدِّي عَنِّي اِلَّا اَنَا اَوْ عَلِيٌّ؛ علی از من است و من از علی هستم؛ از سوی من کسی ادا [ای امانت] نمی کند مگر خودم یا علی ۲۷. «**جایگاه کودکان و زنان در دعای عمومی**» آیه اشاره به «اَبْنَاءَنَا» و «نِسَاءَنَا» دارد. این نشان می دهد که در دعاها جمع و مواقع حساس، حضور کودکان و زنان نه تنها ممنوع نیست، بلکه باعث استحباب و اثرگذاری بیشتر دعاست. همچنین تأکید می کند که دختران نیز مانند پسران، امتداد وجود پدر محسوب می شوند و نفرت های جاهلی نسبت به دختران را رد می کند. **مباهله؛ راهکاری برای همه ادیان** بر اساس روایات، مباهله اختصاص به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نداشته و هر فرد مسلمانی در مسائل مذهبی می تواند با مخالفان خود به مباهله برخیزد. طرز مباهله و دعای آن، در کتاب های حدیث وارد شده، برای اطلاع بیشتر به کتاب «نورالثقلین ۲۸» مراجعه بفرمایید.

در رساله حضرت استاد علامه طباطبایی رحمه الله چنین می خوانیم: «مباهله یکی از معجزات باقی اسلام است، و هر فرد با ایمانی به پیروی از نخستین پیشوای اسلام می تواند در راه اثبات حقیقتی از حقایق اسلام با مخالف خود به مباهله پردازد، و از خداوند جهان درخواست کند که طرف مخالف را کیفر بدهد و محکوم سازد ۲۹.»

این نشان می دهد که اسلام راه حل های عملی برای حل تعارضات عقیدتی دارد که مبتنی بر توکل به خداست، نه اجبار. بخش پنجم: ثمرات و دستاوردهای واقعه مباهله
۱. اثبات حقانیت نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله: مسیحیان نجران که خود اهل کتاب بودند، عملاً حقانیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را پذیرفتند، هرچند به خاطر منافع طایفه ای اسلام نیاوردند.

۲. تثبیت جایگاه اهل بیت علیهم السلام: این واقعه بالاترین سند فضیلت برای چهار تن از اهل بیت پیامبر (امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام) است. آیه مباهله و آیه تطهیر مکمل یکدیگرند.

۳. مدل دیپلماسی اسلامی: نحوه برخورد با مخالفان، استفاده از منطق، سپس وعده الهی (مباهله) و در نهایت پذیرش صلح مالی، الگویی برای حکومت های اسلامی در برخورد با اقلیت هاست.

۴. نجات جان انسان ها: با انصراف مسیحیان از مباهله، جان صدها نفر از مردم نجران از نابودی نجات یافت. بخش ششم: اعمال روز مباهله (۲۴ ذی الحجه) روز جشن بزرگ شیعیان و گرامیداشت فضیلت اهل بیت علیهم السلام است. شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان اعمال متعددی را برای این روز نقل کرده است که انجام آنها ثواب بسیار دارد. در ادامه، این اعمال به صورت کامل آورده شده است:

۱. غسل روز مباهله
مستحب است در این روز، پیش از زوال آفتاب، غسل کند. نیت این غسل، تقرب به خداوند و ادا حق این روز مبارک است.
۲. روزه گرفتن
روزه گرفتن در این روز بسیار سفارش شده است. ثمره آن عبارت است از: «جلای روح و صفاک باطن» و پاداشی عظیم نزد خداوند.
۳. نماز روز مباهله
این نماز دو رکعت است و کیفیت و ثواب آن دقیقاً مانند نماز عید غدیر است.

* کیفیت خواندن نماز مباهله: در هر دو رکعت، پس از سوره حمد، ده بار سوره توحید، ده بار آیه الکرسی و دو آیه بعد از آن (تا پایان آیه ۲۸۶ بقره یا طبق برخی روایات تا «فیهم خالدون») و ده بار سوره قدر خوانده شود.

* ثواب: ثواب این نماز معادل صد هزار حج و صد هزار عمره است.
* زمان: بهتر است پیش از ظهر خوانده شود.

۴. دعای مخصوص روز مباهله
این دعا شبیه به ادعیه سحر ماه رمضان است و امام باقر علیه السلام فرمودند: «اسم اعظم در این دعا نهفته است و اگر حاجتی دارید، با آن برآورده می شود.»

متن دعای مباهله:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ يَا بَهَاءَ وَكُلِّ بَهَائِكَ بَهِيٍّ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِيَهَائِكَ كَلِّهِ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ يَا جَلِّهِ وَكُلِّ جَلَالِكَ جَلِيلٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كَلِّهِ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ يَا جَمِّلَهُ وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كَلِّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي.

خدایا از تو می خواهم از زیبایی ات به حق برترین مرتبه زیبایی ات... از تو می خواهم به همه مراتب زیبایی ات. خدایا از تو می خواهم از بزرگی ات... از تو می خواهم به همه مراتب بزرگی ات. خدایا از تو می خواهم از جمالت... از تو می خواهم به همه مراتب جمالت. خدایا تو را می خوانم چنان که فرمان دادی، پس اجابت کن چنان که وعده فرمودی.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ يَا عَظِيمَهَا وَكُلِّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ ثَوْرِكَ يَا ثَوْرَهُ وَكُلِّ ثَوْرِكَ تَبِيرًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِثَوْرِكَ كُلِّهِ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا وَسْعَهَا وَكُلِّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا؛

خدایا از تو می خواهم از شکوهت... از تو می خواهم به همه مراتب شکوهت. خدایا از تو می خواهم از نورت... از تو می خواهم به همه نورت. خدایا از تو می خواهم از رحمتت... از تو می خواهم به همه رحمتت؛

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ يَا كَمِيلَهُ وَكُلِّ كَمَالِكَ كَامِلًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ يَا تَمِيمَهَا وَكُلِّ كَلِمَاتِكَ تَامَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَاءِكَ يَا كَبْرَهَا وَكُلِّ أَسْمَاءِكَ كَبِيرَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَاءِكَ كُلِّهَا؛

خدایا تو را می خوانم چنان که فرمانم دادی، پس اجابت کن چنان که وعده فرمودی. خدایا از تو می خواهم از کمالت... از تو می خواهم به همه کمالت. خدایا از تو می خواهم از کلماتت... از تو می خواهم به همه کلماتت. خدایا از تو می خواهم از نام هایت... از تو می خواهم به همه نام هایت؛

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ يَا عِزَّهَا وَكُلِّ عِزَّتِكَ عَزِيزَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيئَتِكَ يَا مُضَاهَا وَكُلِّ مَشِيئَتِكَ مَاضِيَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيئَتِكَ كُلِّهَا.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي اسْطَلَّتْ بِهَا عَلَيَّ كُلَّ شَيْءٍ وَكُلِّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا؛

خدایا تو را می خوانم، چنان که فرمانم دادی، پس اجابت کن، چنان که وعده فرمودی، خدایا از تو می خواهم از توانمندی ات... از تو می خواهم به همه توانمندی ات. خدایا از تو می خواهم از مشیتت... از تو می خواهم به همه مشیتت. خدایا از تو می خواهم به قدرتت... از تو می خواهم به همه قدرتت؛

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ يَا نَفْذَهُ وَكُلِّ عِلْمِكَ نَافِذًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ يَا رِضَاهُ وَكُلِّ قَوْلِكَ رَضِيًّا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ يَا حَيِّهَا وَكُلِّهَا إِلَيْكَ حَيِّبَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا.

خدایا تو را می خوانم، چنان که فرمانم دادی، پس اجابت کن، چنان که وعده فرمودی، خدایا از تو می خواهم از علمت... از تو می خواهم به همه علمت. خدایا از تو می خواهم از گفتارت... از تو می خواهم به همه گفتارت. خدایا از تو می خواهم از خواسته هایت... از تو می خواهم به همه خواسته هایت.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ يَا شَرَفَهُ وَكُلِّ شَرَفِكَ شَرِيفًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ يَا دَوْمَهُ وَكُلِّ سُلْطَانِكَ دَائِمًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ؛

خدایا تو را می خوانم چنان که فرمانم دادی، پس اجابت کن چنان که وعده فرمودی. خدایا از تو می خواهم از شرفت... از تو می خواهم به همه شرفت. خدایا از تو می خواهم از سلطنتت... از تو می خواهم به همه سلطنتت؛

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ يَا فَخْرَهُ وَكُلِّ مُلْكِكَ فَاحِرًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَلَائِكَ يَا عُلَاهُ وَكُلِّ عَلَائِكَ عَلِيًّا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَلَائِكَ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ بِأَعْجَبِهَا وَكُلِّ آيَاتِكَ عَجِيبَةً، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مِثِّكَ بِأَقْدَمِهِ وَكُلِّ مِثِّكَ قَدِيمٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمِثِّكَ كُلِّهِ؛

خدایا از تو می خواهم از فرمانروایی ات... از تو می خواهم به همه فرمانروایی ات. خدایا تو را می خوانم چنان که فرمانم دادی پس اجابت کن چنان که وعده فرمودی. خدایا از تو می خواهم از والایی ات... از تو می خواهم به همه والایی ات. خدایا از تو می خواهم از آیات... از تو می خواهم به همه آیات. خدایا از تو می خواهم از نعمت... از تو می خواهم به همه نعمت؛

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي قَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشُّؤُونِ وَالْجَبْرُوتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَكُلِّ شَأْنٍ وَكُلِّ جَبْرُوتٍ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ يَجَلَالِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ يَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

خدایا تو را می خوانم چنان که فرمانم دادی، پس اجابت کن، چنان که وعده فرمودی. خدایا از تو می خواهم به حق آنچه در آن قرار داری از مقام و قدرت مطلق... خدایا از تو می خواهم به آنچه با آن اجابت می کنی، ای خدا، ای که معبودی جز تو نیست، از تو می خواهم به زیبایی اینکه معبودی جز تو نیست...

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي قَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِأَعْمَبِهَا وَكُلِّ رِزْقِكَ عَامٍّ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَايِكَ بِأَهْنَأِهِ وَكُلِّ عَطَايِكَ هَنِيءٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَطَايِكَ كُلِّهِ؛

خدایا تو را می خوانم چنان که فرمانم دادی، پس اجابت کن چنان که وعده فرمودی. خدایا از تو می خواهم از روزی ات... از تو می خواهم به همه روزی ات، خدایا از تو می خواهم از عطایت... از تو می خواهم به همه عطایت؛

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ وَكُلِّ خَيْرِكَ عَاجِلٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ وَكُلِّ فَضْلِكَ فَاضِلٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي قَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي.

خدایا از تو می خواهم از خیرت... از تو می خواهم به همه خیرت. خدایا از تو می خواهم از احسانت... از تو می خواهم به همه احسانت. خدایا تو را می خوانم چنان که فرمانم دادی، پس اجابت کن چنان که وعده فرمودی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْنِي عَلَى الْإِيمَانِ يَكْ، وَالتَّصْدِيقِ بِرَسُولِكَ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَالْوَالِيَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَالتَّوْبَةِ مِنَ عَدْوِهِ، وَالْإِمَامَةِ بِأَلَيْمَةٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَائِي قَدْ رَضِيتُ بِذَلِكَ يَا رَبِّ.

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا برانگیز بر ایمان به خودت و تصدیق به رسالت... ولایت علی بن ابیطالب و بیزاری از دشمنش و اقتدا به امامان از خاندان محمد که من به این واقعیت راضی شده ام ای پروردگار.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ فِي الْأَوَّلِينَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ.
اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ وَالدرَجَةَ الْكَبِيرَةَ؛

خدایا درود فرست بر محمد بنده و رسالت در میان پیشینیان و درود فرست بر محمد در میان آیندگان و درود فرست بر محمد، در میان آسمانیان و درود فرست بر محمد در میان فرستادگان. خدایا به محمد عطا کن، وسیله و شرف و فضیلت و درجه بزرگ؛

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَبِّعْنِي يَمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي يَمَا آتَيْتَنِي، وَأَحْقِظْنِي فِي غَيْبَتِي وَكُلِّ غَائِبٍ هُوَ لِي.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْنِي عَلَى الْإِيمَانِ يَكْ وَالتَّصْدِيقِ بِرَسُولِكَ.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانِكَ وَالْجَنَّةِ، وَأَعُوذُ يَكْ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَالتَّارِ.

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و به آنچه روزی ام نمودی خشنود بدار و در آنچه به من عنایت کردی برکت ده و در غیبتم و در غیاب هر غایبی که او از من است نگهدارم باش. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر پایه ایمان به خودت و باور داشتن به پیامبرت برانگیز، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و از تو می خواهم خوب ترین خوب ها را که

خشنودی ات و بهشت است و به تو پناه می آورم از بدترین بدها که خشم و آتش است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ، وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَقُوبَةٍ، وَمِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ، وَمِنْ كُلِّ بَلَاءٍ، وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ، وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوفٍ، وَمِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ، وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزُلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَفِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي هَذَا الشَّهْرِ، وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ؛

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا نگهدار از هر مصیبت و هر بلا و از هر کیفر و هر فتنه و هر آزمایش و هر شر و هر امر ناپسند و هر پیش آمد و هر آفت که از آسمان بر زمین فرود آمد یا فرود می آید، در این ساعت و در این شب و در این روز و در این ماه و در این سال،

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْسِمُ لِي مِنْ كُلِّ سُزُورٍ وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ، وَمِنْ كُلِّ اسْتِقَامَةٍ، وَمِنْ كُلِّ قَرْحٍ، وَمِنْ كُلِّ عَافِيَةٍ، وَمِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ، وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ، وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ، وَمِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَعَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزُلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَفِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي هَذَا الشَّهْرِ، وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ.
اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ دُنُوبِي قَدْ أَحْطَلَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَغَيَّرَتْ حَالِي عِنْدَكَ؛

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و روزی من کن از هر شادی و هر خوشحالی و هر پایداری و هر گشایش و هر عافیت و هر سلامت و هر کرامت و هر روزی وسیع حلال پاک و هر نعمت و هر وسعتی که از آسمان بر زمین نازل شد یا می شود. در این ساعت و در این شب و در این روز و در این ماه و در این سال. خدایا اگر گناهانم مرا در پیشگاهت بی اعتبار ساخته و میان من و تو پرده شده و حالم را نزد تو دگرگون کرده؛

فَأَيُّ أَسْأَلُكَ يَتُورُ وَجْهَكَ الَّذِي لَا يُطْفَأُ وَيُوجِّهُ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ الْمُصْطَفَى، وَيُوجِّهُ وَلِيكَ عَلَى الْمُرْتَضَى، وَيَحَقُّ أَوْلِيَايَكَ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ أَنْ نُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنْ دُنُوبِي، وَأَنْ تَعْصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ أَعُودَ فِي شَيْءٍ مِنْ مَعْاصِيكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، حَتَّى تَتَوَقَّأَنِي وَأَنَا لَكَ مُطِيعٌ وَأَنْتَ عَيْبِي رَاضٍ، وَأَنْ تَخْتِمَ لِي عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ وَتَجْعَلَ لِي تَوَاتِبَ الْجَنَّةِ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَهْلَ التَّقْوَى يَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

من از تو می خواهم، به حق نور ذاتت که هرگز خاموش نشود و به آبروی محمد محبوب برگزیده ات و به آبروی ولی ات علی مرتضی و به حق اولیایب که آنان را برگزیدی، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و آنچه از گناهانم گذشته بیمارزی و در باقی مانده عمر نگهدارم باشی و به تو پناه می آورم، خدایا، از اینکه هرگز به چیزی از نافرمانی هایت بازنگردم تا زنده ام بداری و تا بمیرانی و من فرمان بردار تو باشم و تو از من خشنود باشی و اینکه عملم را پایان دهی به نیکوترینش و پاداش آن را برایم بهشت قرار دهی و با من آن کنی که شایسته آنی، ای شایسته تقوی و ای شایسته آمرزش، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و به رحمتت به من رحم کن، ای مهربان ترین مهربانان.

۵. استغفار پس از دعا
پس از اتمام دعای مباحله، مستحب است یک بار «الحمد لله رب العالمین» گفته شود و سپس ۷۰ مرتبه ذکر زیر خوانده شود:

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ؛ استغفار می کنم از خداوندی که پروردگار من است و به سوی او باز می گردم.»
۶. صدقه دادن

با توجه به اینکه در روایات آمده است امام علی علیه السلام در روز مباحله انگشتر خود را در رکوع به فقیری دادند (نزول آیه ولایت)، مستحب است در این روز صدقه داده شود تا روح انسان پاک گردیده و مورد لطف خاص الهی قرار گیرد.

۷. زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام
یکی از اعمال توصیه شده، زیارت حضرت علی علیه السلام است. اگر امکان زیارت قبور مطهر وجود دارد، انجام شود و در غیر این صورت، خواندن زیارتنامه ایشان از راه دور نیز ثواب دارد.

۸. قرائت زیارت جامعه کبیره
خواندن زیارت جامعه کبیره در این روز بسیار سفارش شده است. این زیارت شامل تحیات همه انبیاء و ائمه علیهم السلام است و خواندن آن در روزهای بزرگ مذهبی، اتصال معنوی به سلسله ولایت را تقویت می کند.

جمع بندی و نتیجه گیری:
واقع مباحله را نباید صرفاً حادثه ای تاریخی در حاشیه سیره نبوی دانست؛ مباحله تجلی عینی حقانیت و نقطه ای تعیین کننده در تبیین جایگاه اهل بیت علیهم السلام در هندسه هدایت اسلامی است.

در آن روز، حقیقت نه با شمشیر که با صدق، نه با کثرت سپاه که با صفای باطن به میدان آمد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در حساس ترین صحنه رویارویی اعتقادی، عزیزترین و پاک ترین سرمایه های خویش را به همراه آورد؛ گویی می خواست به تاریخ پیاموز که حجت الهی، بر دوش پاکان و در سایه عصمت استمرار می یابد.

مباحله، آیینه ای بود که در آن، سیما تشیع به روشنی نمایان شد؛ تشیعی که هویت خود را از پیوند با اهل بیت می گیرد و ولایت را استمرار رسالت می داند. حضور امیرالمؤمنین علیه السلام در مقام «نفس پیامبر»، و همراهی صدیقه طاهره سلام الله

علیها و حسنین علیهما السلام، تنها یک همراهی عاطفی نبود، بلکه اعلان منزلتی الهی و معرفی محورهای هدایت امت بود. این واقعه، ترجمان عملی آیه تطهیر و گواهی بر عصمت و طهارت آن خاندان شد؛ خاندانی که اراده الهی بر پاکی شان تعلق گرفته است.

از سوی دیگر، مباحله تصویری والا از خانواده آرمانی در منطق اسلام ارائه می دهد؛ خانواده ای که در آن، زن و مرد و فرزند، همگی در مسیر توحید هم سو و هم دل اند. این خانواده، کانونی است که در آن ایمان، مسئولیت و مجاهدت در هم تنیده اند و هر عضو، پشتوانه دیگری در راه حق است. چنین الگویی، پاسخی است به همه قرائت هایی که دین را از ساحت خانواده جدا می پندارند.

در نهایت، مباحله درس بزرگ اعتماد به وعده الهی است؛ آنجا که پیامبر با آرامش و یقین قدم به میدان می گذارد، زیرا پشتوانه اش اتصال به وحی و صدق رسالت است. این آرامش، میراثی است که امروز نیز می تواند جامعه مؤمنان را در برابر تلاطم های فکری و اعتقادی مصون بدارد.

راهکارهای پیشنهادی برای بهره مندی از برکات روز مباحله
۱. احیای سنت های عملی و عبادی

روز مباحله فرصتی برای تجدید عهد معنوی است. غسل، روزه، نماز و دعای مخصوص این روز، صرفاً اعمالی آیینی نیستند، بلکه تمرینی برای پالایش جان و بازگشت به صفای نخستین اند. اهتمام به این اعمال، دل را در مدار نورانیت اهل بیت قرار می دهد و پیوند وجودی انسان را با حقیقت این واقعه استوار می سازد.

۲. تعمیق معرفت نسبت به اهل بیت علیهم السلام

مباحله بهترین فرصت برای تبیین جایگاه امام علی علیه السلام به عنوان «نفس پیامبر» و معرفی شأن اهل بیت در قرآن و سنت است. باید این مناسبت را به عرصه ای برای گفتگوی علمی، تولید محتوا، نشست های معرفتی و پاسخ به شبهات تبدیل کرد؛ به ویژه برای نسل جوان که تشنه فهم مستدل و عقلانی از اعتقادات خویش است. همچنین این واقعه می تواند پلی برای معرفی چهره رحمانی و عقلانی اسلام به غیرمسلمانان باشد.

۳. التزام به اخلاق در گفتگو و مناظره

روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ماجرای مباحله، الگویی کامل از گفتگوی دینی است؛ آغاز با استدلال و برهان، دعوت به انصاف و داوری الهی، و در نهایت پذیرش صلح و همزیستی مسالمت آمیز. این سیره نشان می دهد که قدرت منطق و اخلاق، بر هر گونه خشونت و تعصب برتری دارد. جامعه شیعی، اگر خود را پیرو آن مکتب می داند، باید فرهنگ گفتگوی مؤدبانه و عقلانی را در مواجهه با مخالفان نهادینه کند.

۴. انس با دعای مباحله و توسل به اسم اعظم

دعای مباحله سرشار از اسماء و صفات الهی است و مضامین آن، روح توحید و تضرع را در جان زنده می کند. خواندن این دعا با حضور قلب و تأمل در معانی آن، تمرینی برای اتصال به اسم اعظم الهی و تقویت روح اعتماد به خداوند متعال است. استمرار در این ذکر نورانی، دل را به سرچشمه اجابت نزدیک تر می سازد و انسان را در مسیر بندگی خالصانه استوار می کند.

در یک نگاه کلان، مباحله مدرسه ای است برای شناخت جایگاه ولایت، تحکیم بنیان خانواده ایمانی، و تمرین اخلاق و معنویت در عرصه اجتماع. اگر این پیام ها در زندگی فردی و جمعی ما جاری شود، مباحله از یک خاطره تاریخی به حقیقتی زنده و اثرگذار در متن زندگی امت تبدیل خواهد شد.

سخن پایانی:

روز مباحله، روز جلوه گری نور حقیقت و شکوه حقانیت است؛ روزی که آسمان، صدق رسالت را گواهی داد و زمین، عظمت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را به تماشا نشست. در آن روز بزرگ، جهانیان دریافتند که اهل بیت پیامبر، خاندان برگزیده الهی اند؛ خاندانی که دعایشان آینه اراده الهی و حضورشان حجت روشن حق است.

این روز، یادآور ظهور پنج خورشید تابناک در آسمان ایمان است؛ پنج گوهری که خداوند آنان را برای پاسداری از حقیقت و هدایت دل ها برگزید و به وسیله آنان، راه حق را از باطل جدا ساخت.

پس شایسته است که در چنین روز مبارکی، دل ها را از غبار غفلت پاک کنیم و با عبادت، دعا و تجدید پیمان با ولایت، خویشتن را در سایه مهر و هدایت آن انوار مقدس قرار دهیم؛ باشد که به برکت محبت و پیروی از آنان، از گردباد فتنه های آخرالزمان در امان مانیم و در پناه ولایت، به آرامش و یقین حقیقی دست یابیم.

امید آن که خداوند متعال به همه شیعیان و دلباختگان اهل بیت علیهم السلام توفیق شناخت و پاسداشت این روز عظیم را عطا فرماید و دل های ما را همواره به نور محبت و ولایت آنان روشن بدارد.

پی نوشت ها:

۱. نجران، در نقطه مرزی عربستان با یمن قرار دارد و شامل ۷۲ روستای باصفاست. در آغاز طلوع اسلام، این منطقه تنها سرزمین مسیحی نشین در حجاز بود که به عللی از بت پرستی دست کشید و مردم آن به آیین مسیحی گرویده بودند. (معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۵، ص ۲۶۷).
۲. عقبه بن غزوان، عبدالله بن امیر، هدیر بن عبدالله، حبیب بن سنان، (المراقبات، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، ص ۵۰۰، ترجمه ابراهیم محدث، نشر اخلاق، چ ۶، ۱۳۸۳ش).
۳. بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۱۰، به نقل از تفسیر موضوعی قرآن کریم، آیت الله جوادی آملی، ج ۹، ص ۱۶۹، مرکز نشر اسرا، چ ۱، ۱۳۷۶ش.
۴. اسقف، معرب کلمه یونانی «ابسلوب» به معنی رقیب و ناظر است و هم اکنون نشانه یک منصب روحانی مافوق کشیش است. (فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۸۱۲).
۵. بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۲۸۵؛ فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۸۱۳؛ البداية و النهایة، ص ۵۳.
۶. المراقبات، ص ۵۰۱.
۷. فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۸۱۳، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. المراقبات، ص ۵۰۱.
۹. همان، ص ۵۰۲.
۱۰. فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۶۶، به نقل از تاریخ یعقوبی.
۱۱. برخی، نام اسقف های نجران را «سید» و «عاقب» ذکر کرده اند.
۱۲. سیره حلبی، ج ۳، ص ۲۳۹، به نقل از فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۸۱۴.
۱۳. همان؛ المراقبات، ص ۵۰۴.
۱۴. آل عمران/۵۹؛ اعراف/۵۴.
۱۵. المراقبات، ص ۵۰۴.
۱۶. مباحله؛ یعنی توجه و تضرع به درگاه خدا و تقاضای لعنت و هلاکت برای اهل باطل.
۱۷. آل عمران/۶۱.
۱۸. ترجمه آقای سید علی موسوی گرمارودی.
۱۹. تفسیر فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۴۷۱ و ۴۷۲؛ تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۲۸۲ و ۲۸۳؛ کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۱۲، به نقل از فروغ ابدیت، ج ۲، پاورقی، ص ۸۱۷.
۲۰. المراقبات، ص ۵۰۵.
۲۱. همان، ص ۵۰۸.
۲۲. فتوح البلدان، ص ۷۶، به نقل از فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۸۲۰.
۲۳. همان.
۲۴. المراقبات، ص ۵۱۰.
۲۵. تفسیر موضوعی قرآن کریم، سیره رسول اکرم در قرآن، ج ۹، ص ۱۷۷.
۲۶. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۱۳، به نقل از تفسیر موضوعی، ج ۹، ص ۱۷۸.
۲۷. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۲۸۴.
۲۸. ج ۱، صص ۲۹۲-۲۹۱.
۲۹. در برخی از روایات اسلامی نیز به این موضوع تصریح شده است، به کافی ج ۲ کتاب دعا باب مباحله، صص ۵۱۴-۵۱۳ مراجعه فرمایید.

نویسنده: سیدامیرحسین موسوی تبار

منبع: تحریریه راسخون